

جایگاه گل سوسن در فرهنگ، شعر و ادب پارسی^۱

فرزانه السادات دهقان
کارشناس ارشد معماری منظر، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران
fdb1111@gmail.com

مرتضی همتی
کارشناس ارشد معماری منظر، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران
hemmatiarchitect@yahoo.com

چکیده

گیاهان از دیرباز در فرهنگ و هنر ایرانیان از جایگاه ویژه‌ای برخوردار بوده‌است. در این میان برخی از گیاهان مورد توجه و ستایش بیشتری قرار گرفته‌اند و به اصطلاح گزیده شده‌اند. گل سوسن نیز یکی از گیاهانی است که از دوران کهن در میان ایرانیان از جایگاه ویژه‌ای برخوردار بوده‌است و می‌توان آثار این احترام را در اندیشه مردمان این سرزمین پی گرفت. گرچه امروزه منشأ این گزینش مبهم است اما بیانگر وجود مفاهیمی ذهنی در اندیشه مردمان باستان است. گل سوسن از نمونه گل‌هایی است که در فرهنگ ما نضج یافته‌است. رسوخ این گل در فرهنگ ما بخشی از هویت تاریخی و خاطرات مردم این سرزمین را به خود اختصاص می‌دهد؛ بدین‌سان شناسایی تحولات معنایی آن امری ضروری تلقی می‌شود. یکی از منابع شناخت اندیشه‌های هر ملت، مطالعه آثار ادبی آن است و شعر فارسی به عنوان یکی از کهن‌ترین منابع ادبی مردم ایران، می‌تواند در شناسایی لایه‌های معنایی پنهان این گل راهگشا باشد. شاعران پارسی‌گوی نماینده تفکرات رایج دوران خود هستند که در ورای ابیات، حقایق و مفاهیمی را برای ما روشن می‌سازند که بیانگر وضع زمانه خویش است. پژوهش در دست، در پی آن است که با تحلیل آثار شعری در دوره‌های ادبی مختلف، به تلقی از نگرش مردمان ایران به گل سوسن دست یابد. به همین منظور ابتدا گونه‌های مختلف گل سوسن به شیوه علمی معرفی و ویژگی‌های کلی آن بیان می‌شود. پس از آن که درآمدی از حضور گل سوسن در فرهنگ و هنر ایرانیان ارائه شد، با ارائه نمونه‌هایی به تحلیل معنایی گل سوسن در ادوار شعری پرداخته می‌شود.

واژگان کلیدی

گل سوسن، شعر پارسی، شبکه معنایی، معناشناسی.

مقدمه

آثار ادبی از دست داده است. در سال‌های اخیر به نظر می‌رسد مردم اقبالی دوباره به این گل‌ها نشان داده‌اند. براساس تحقیقات به عمل آمده، گل سوسن سپید، از گونه‌های گران‌قیمت بازار و طرفداران زیادی دارد؛ تا جایی که در جهان به لحاظ فروش رتبه چهارم را به خود اختصاص داده است. اگرچه در کشور ما نیز این گل از طریق گل‌فروشی‌ها و پرورشگاه‌های گل، به زندگی روزمره مردم راه یافته‌است، اما باید توجه داشت که عموماً این موضوع امری تزئینی و دکوراتیو است و همچنان معانی کهنی که از دیرباز در نگرش به این گل اندیشیده می‌شد، مبهم است. بنابراین این جستار به دنبال دست‌یافتن به شبکه‌های معنایی گل سوسن از طریق بررسی متون شعر فارسی است. جست‌وجوهایی که تاکنون در باب گل‌های ایرانی صورت گرفته از دیدگاه معناشناسانه نبوده و بر جنبه علمی تمرکز داشته است مانند پژوهش بهرام گرامی (۱۳۸۸). اما رویکرد جستار کنونی در پی بررسی داده‌های کیفی و آنالیز و نتیجه‌گیری از آن، در شعر و ادب پارسی است، روش تحقیق از طریق تحلیل محتوا است. علاوه بر آن در پاره‌ای از موارد با توجه به در دست نبودن برخی داده‌ها و وجود محدودیت‌های پژوهشی، از روش تحقیق تطبیقی نیز استفاده شد.

محبوبیت یک گل ارتباط عمیق و تنگاتنگی با ویژگی‌های آن در جغرافیا دارد. عواملی چون محل رویش، کثرت انتشار، پراکندگی در نواحی مختلف و... از جمله دلایلی است که می‌توان برای شناخته شدن گلی در میان یک ملت نام برد. عوامل دیگری در مقبولیت یک گل در میان خاسته جمعیت مؤثر است، مانند ویژگی‌های تاریخ، اسطوره و مذهب. سوسن از گذشته یکی از محبوب‌ترین گیاهان در کشور ایران و دیگر مناطق شرقی چون چین، سومر و مصر، همچنین یونان بوده‌است به طوری که می‌توان ردپای حضور آن را در آثار فرهنگی و هنری به جا مانده از این تمدن‌ها مشاهده کرد. با بررسی سیر کلی حضور این گل در فرهنگ و هنر کشورمان می‌توان به کم‌رنگ شدن تدریجی آن نزد ایرانیان پی‌برد، به طوری که بسیاری از معانی آن در حال فراموش شدن است. مطالعه این آثار از آن جهت ضروری است که ما را به شناخت شبکه‌های معنایی یکی از عناصر مهم منظره‌پردازی رهنمون می‌سازد که از دیرباز برای مردمان این سرزمین دارای اهمیت ویژه‌ای بوده‌است. سوسن، نرگس، نسرين، تاج خروس و... از جمله گل‌هایی است که به دفعات در شعر و ادبیات ایرانی تکرار شده اما به مرور زمان با فراموش شدن معنای اصیل، جای خود را در

فرضیه

گونه‌هایی از گل سوسن ایرانی که از زمان‌های گذشته در کشور وجود داشته در گذر زمان به هنر و فرهنگ ایرانیان راه یافته و گاه به ایزدان نسبت داده شده‌اند. علی‌رغم تغییر جهان‌بینی ایرانیان، بخشی از خصوصیات معنایی گل سوسن در باورهای جدید حفظ شده و به شکل نماد درآمد است.

گل سوسن از نظر علمی

گل سوسن (*Lilium spp*) گیاهی است متعلق به خانواده لاله (*Liliaceae*) که حدود ۱۰۰ گونه دارد، در آسیا ۵۰ تا ۶۰ گونه، آفریقای شمالی ۲۴ گونه و در اروپا ۱۲ گونه شناخته شده دارد (کافی و قاسمی، ۱۳۹۳: ۱۹۰). اگرچه این گیاه از نظر دارویی و خوراکی حائز اهمیت است اما شاخص شدن آن بیشتر مرهون وجه زینتی آن است؛ تاکنون حدود ۸۰۰۰ نوع سوسن در دنیا شناسایی و به ثبت رسیده که تنوع آن در سه گروه اصلی هیبریدهای لانگیفلوروم، آسیایی و شرقی (سوسن عید پاک) جای گرفته‌اند (Robinson & Firoozabady, 1993).

• دسته‌های اصلی

هیبریدهای لانگیفلوروم با گل‌های سفید شیپوری و معطر قابل تشخیص بوده که روی گل‌هایشان به طرف خارج است (کافی و قاسمی، ۱۳۹۳: ۱۹۰)؛ (تصویر ۱). هیبریدهای آسیایی شامل طیف وسیعی از گل‌های رنگین نارنجی، قرمز، زرد، برنزی و سفید است که عموماً روی گل به سمت بالا و دارای عطر کم یا فاقد عطرنده (همان). دسته آخر سوسن‌های شرقی است که از گل‌های گلدانی مهم به شمار می‌رود و به عنوان گل بریدنی و تزئینی برای کاشت در باغچه نیز استفاده می‌شود. گل‌های این گونه بسیار معطرند و دارای سایه‌هایی به رنگ‌های قرمز، صورتی و سفید بوده که عموماً به صورت افقی قرار گرفته است (همان: ۱۹۰).

• مهم‌ترین گونه‌ها

سوسن نارنجی (*Lilium bulbiferum*): گل‌های غیرمعطر آن به رنگ‌های زرد زعفرانی یا قرمز نارنجی با لکه‌های سیاه رنگ و روی آن‌ها به سمت بالا است. این گونه در اوایل تابستان گل می‌دهد. سوسن سفید (*Lilium candidum*): این گونه شیپوری

گیاهانی که اکنون در حال انقراض است (Jalili & Jamzad, 1999). این گونه در منطقه لنکران جمهوری آذربایجان و نواحی محدودی از ایران مثل داماش، کلاردشت، اسالم، کجور، درفک و اردبیل پراکنش دارد (نادری، ۱۳۹۲: ۳۸۷). این گل ساقه‌ای به طول حدوداً یک متر و خوشه‌ای از گل‌های سفید واژگون (۲ تا ۱۵ عدد، در مدت کوتاهی از ماه خرداد تا تیر روی آن ظاهر می‌شود؛ (لبو و رونه‌مارک، ۱۳۵۵: ۳۶). پرچم‌ها قرمز رنگ و حاشیه گلبرگ‌ها مزین به لکه‌های برجسته قهوه‌ای رنگ است (کافی و قاسمی، ۱۳۹۳: ۱۹۴)؛ (جدول ۱ و ۲)؛ (تصویر ۱-۳).

شکل، معطر و با بساک‌های زرد رنگ به صورت افقی بر روی ساقه‌اش شناخته می‌شود. این گونه در مناطق معتدل شمال ایران به خوبی رشد و زمان گل‌دهی آن تابستان است. لیلیوم لانگیفلوروم (*Lilium longiflorum*) گونه معروف به نام سوسن عید پاک با خوشه‌ای از گل‌های سفید و معطر با پرچم‌های زردرنگ (تعداد آن از ۱ تا ۶ متغیر و به صورت افقی رشد می‌کند) شناخته می‌شود. این گونه که از روی ساقه ریشه می‌دهد، به سرما حساس و اواسط بهار گل می‌دهد. سوسن چلچراغ (*Lilium ledebourii*) سوسن چلچراغ یکی از

جدول ۱. مشخصات گل سوسن چلچراغ. مأخذ: لبو و رونه‌مارک، ۱۳۵۵.

عنوان	فرمانرو	شاخه	طبقه‌بندی	راسته	تیره	زیرخانواده	گونه
زیر گروه	گیاهان	گیاهان گلدار	تک‌لپه‌ای‌ها	سوسن‌سانان	سوسنیان	لیلی‌اوتئید	<i>L. ledebourii</i>

جدول ۲. مشخصات گل سوسن. مأخذ: نگارندگان.

نام انگلیسی	نام علمی	شاخه	طبقه‌بندی	راسته	تیره	زیرخانواده	سرده
Liy/Lis	Lilium spp	گیاهان گلدار	تک‌لپه‌ای‌ها	سوسن‌سانان	سوسنیان	Lilioideae	سوسن L.



تصویر ۱. سوسن لانگیفلوروم. مأخذ: www.nargil.ir



تصویر ۲. گل سوسن چلچراغ، در روستای داماش. تصویر ۳. گل سوسن سپید یا آزاد: نماد جشن خردادگان. مأخذ: www.tishineh.com



تصویر ۳. گل سوسن سپید یا آزاد: نماد جشن خردادگان. مأخذ: www.iranboom.ir

گل سوسن در فرهنگ و هنر ایرانیان

سوسن در سنن و باورهای بسیاری از ملت‌های کهن مقدس شمرده می‌شد، به طوریکه نموده‌های آن در اندیشه‌های به‌جا مانده از آن‌ها آشکار است. آثار به‌دست آمده از تمدن سومر، ایلام و ایران نشانگر اهمیت و حضور این گل از دیرباز در این محدوده بوده است. به طور نمونه در یکی از کهن‌ترین لوح‌های به‌دست‌آمده از سومریان، متعلق به ۵۰۰۰ سال قبل در شهری ایرانی (به اعتقاد بسیاری شهر شوش) انبوهی از گل‌های سوسن تصویر شده‌است (Crockett, 1971). برخی پژوهشگران آورده‌اند که به احتمال فراوان منشأ این گل نیز همان شهر شوش و نام سوسن -یا شوشن به معنای شوشی یا گلی که در شوش می‌روید- از نام همین شهر گرفته شده‌است. افزون بر این در معماری نقش یا طرح سوسن یا «سوسن‌کاری» به کنایه و رمز از «شهر شوش» یا «گل سوسن» یا ایزدبانوی سوسن معروف بوده است. علاوه بر آن، نشانه‌های گل سوسن را می‌توان در یکی از مهم‌ترین آیین‌های ایرانیان باستان با نام جشن خردادگان پی‌گرفت. در

سوسن در سنن و باورهای بسیاری از ملت‌های کهن مقدس شمرده می‌شد، به طوریکه نموده‌های آن در اندیشه‌های به‌جا مانده از آن‌ها آشکار است. آثار به‌دست آمده از تمدن سومر، ایلام و ایران نشانگر اهمیت و حضور این گل از دیرباز در این محدوده بوده است. به طور نمونه در یکی از کهن‌ترین لوح‌های به‌دست‌آمده از سومریان، متعلق به ۵۰۰۰ سال قبل در شهری ایرانی (به اعتقاد بسیاری شهر شوش) انبوهی از گل‌های سوسن تصویر شده‌است (Crockett, 1971). برخی پژوهشگران آورده‌اند که به احتمال فراوان منشأ این گل نیز همان شهر شوش و نام سوسن -یا شوشن به معنای شوشی یا گلی که در شوش می‌روید- از نام همین شهر گرفته شده‌است. افزون بر این در معماری نقش یا طرح سوسن یا «سوسن‌کاری» به کنایه و رمز از «شهر شوش» یا «گل سوسن» یا ایزدبانوی سوسن معروف بوده است. علاوه بر آن، نشانه‌های گل سوسن را می‌توان در یکی از مهم‌ترین آیین‌های ایرانیان باستان با نام جشن خردادگان پی‌گرفت. در



تصویر ۴. مَهر دوره ساسانی، دوشیزه‌ای با گل سوسن در دست.
مأخذ: www.forum.iranvij.ir



تصویر ۵. آگوستوس فیلیپ دوم، شاه فرانسه با گل سوسن در دست.
مأخذ: www.forum.iranvij.ir

اوستا نگرهبانی از آب در جهان استومند را خویشکاری بزرگ این امشاسپند بانو دانسته‌اند (دوستخواه، ۱۳۷۵). همچنین گویند که «هستی، زایش و پرورش همه موجودات مادی جهان از آب است و زمین را نیز آبادانی از اوست...» (دادگی، ۱۳۸۵). در گات‌ها، از خرداد و امرداد پیوسته در کنار یکدیگر یاد می‌شود و در اوستای نو نیز این دو امشاسپند، پاسدارنده آب‌ها و گیاهان‌اند که به یاری مردمان می‌آیند و تشنگی و گرسنگی را شکست می‌دهند. از جمله آداب آیین این جشن رفتن به سرچشمه‌ها یا کنار دریاها و رودها، تن‌شوایی در آب بوده و با خواندن نیایش‌های ویژه همراه بوده‌است (جاماسب، ۱۳۷۱). چون خرداد به معنای رسایی و تندرستی است و در جهان مادی نگرهبان آب است، این جشن در روز ششمین روز (ماه باستانی) از ماه خرداد (برابر با چهارم خرداد در گاهشماری خورشیدی) انجام می‌گرفت (رضی، ۱۳۸۰). انگیزه آنان در این مراسم ادای احترام و بزرگداشت جایگاه آن در اندیشه ایرانیان، به امشاسپند بانو خرداد - که در اندیشه ایرانیان باستان، به عنوان الهه نگهدارنده از آب شناخته می‌شد - است. گل سوسن در این جشن جایگاه ویژه‌ای داشته چنانچه در کتاب بندش آمد: گل سوسن گل ویژه امشاسپند بانو «خرداد» است «... این را نیز گویند که هرگلی از آن امشاسپندی است؛ و باشد که گویند: ... سوسن خرداد را، ..» (بهزادی، ۱۳۶۸)، که بر این بنیان بهترین نماد برای جشن خردادگان گل سوسن است. از آنجا که در باور ایرانیان آناهیتا به عنوان ایزدبانوی آب‌های روان پنداشته می‌شد، ارتباطی که میان امشاسپند بانو خرداد - الهه نگهدارنده آب‌ها - و گل سوسن - گل ویژه او - وجود داشت، به این ایزدبانو نیز نسبت داده‌شد. به همین جهت است که در اسطوره‌های ایرانی، از گل سوسن به عنوان یکی از نمادهای آناهیتا نام برده می‌شود و جنبه‌هایی چون پاکی و آزادگی که مربوط به این ایزدبانو است، به آن منتسب می‌شود. چنانکه در نمونه‌هایی از مَهرهای مسطح دوره ساسانی تصویر زن یا دختری در حالت ایستاده در حالی دیده می‌شود که دست راست خود را به سمت راست دراز نموده و گل سوسن در دست دارد که به نظر می‌رسد این تصویر متعلق به ایزدبانو آناهیتا باشد (تصویر ۴).

سوسن گلی است به رنگ‌های گوناگون که زیباترین آن سوسن سفید است. سوسن را از نظر آزادگی به ستاره ناهید، ایزدبانوی آب‌ها مربوط دانسته‌اند و به آن صفت آزاد بخشیده‌اند. در نمادهای دینی و هنری سوسن نشان پاکی است (زمردی، ۱۳۸۷). از طرفی نام گل سوسن پانزده بار در انجیل به کار رفته‌است که تمثیلی از حضرت مریم مقدس (طهوری، ۱۳۹۱) و نماد پاکی است. یعنی ارتباط معناداری میان حضور پرننگ گل سوسن سفید با قدیسان و دوشیزگانی مثل آناهیتا و مریم مقدس برقرار است. همچنین برخی از پژوهشگران ارتباط میان گل سوسن و مریم مقدس در هنر آیینی مسیحیت را بازآفرینی رابطه نزدیک گل



تصویر ۶. نماد سوسن یا زنبق بر روی ستون در یکی از کشورهای اروپایی. این گل به نام زنبق در دوره ساسانی بوده و بعد به امپراطوری روم رفته است که امروز از نمادهای سلطنتی- مذهبی در فرانسه است.

مأخذ: www.forum.iranvij.ir



تصویر ۷. نماد سوسن در ارتباط با مریم مقدس به نشانه پاکی او در شیشه‌های رنگی کلیسا. مأخذ: www.forum.iranvij.ir

سوسن و آناهیتا در فرهنگ ایرانی می‌دانند. نکته قابل تأمل در نگاره‌های اروپایی همچون نمونه‌های ایرانی، عموماً گل سوسن در برابر قدیسان و الهه‌ها قرار گرفته است، به گونه‌ای که گاه در مقابل مریم (ع) یا در دست روح القدس است و گاه در یک گلدان در پس زمینه نقاشی قدیسان خودنمایی می‌کند (طهوری، ۱۳۹۱)؛ (تصویر ۵ تا ۷).

گل سوسن در ادوار شعر فارسی

اشعار شاعران پارسی‌گوی آینهٔ زمان خویش‌اند که احوال دوران در کلامشان نمایان و نضج یافته‌است. این بخش از مقاله در پی شناسایی گل سوسن، کشف شبکه‌های معنایی آن و تغییر و تحولات این گل در فرهنگ مردم سرزمین ایران از طریق اشعار پارسی است. از این رو با بررسی اشعار ۵۵ شاعر پارسی در شیوه‌ها و ادوار مختلف، تطبیق تشبیهات احتمالی با گونه‌های سوسن و دسته‌بندی آن‌ها، سعی در شناخت آن دارد. در این پژوهش اشعار، برحسب دوره‌های زمانی تقسیم‌بندی شده و گل سوسن در این ادوار بررسی و تحلیل شده‌است.

• سبک خراسانی و حد واسط (از نیمه دوم قرن سوم تا قرن پنجم و ششم ه.ق)

در دوران نخستین شعر فارسی شاعران با طبیعت‌گرایی، واقع‌گرایی و بیرون‌گرایی توصیفاتی دقیق همراه با جزئیات از طبیعت در اختیار ما قرار داده‌اند. از دیگر خصوصیات قابل توجه این دوران، شادی‌گرایی و عینیت با توجه به دنیای بیرون و امور محسوس شاعران است (شمیسا، ۱۳۷۴: ۲۶۰ و ۳۵۹). با اتکا به خصوصیات شعری این دوران و تشبیهات و توصیفات دقیق شاعران^۱ می‌توان برخی از مشخصه‌ها، صور ظاهری گل سوسن و تشبیهات عینی گل را شناسایی و تشریح کرد. اشعار این دوران نمایانگر حقایقی از گونه‌های بومی سوسن در زمان خود است. از جمله شاعران به‌نام سبک خراسانی که در اشعارشان از گل سوسن یاد کردند می‌توان از اسدی توسی، رودکی، فرخی سیستانی، فردوسی، مهستی گنجوی، اسعدگرانی، منوچهری، سیف‌فرقانی، خاقانی، انوری و ناصر خسرو نام برد. در دوره حدواسط به سنایی، نظامی، جبلی، سعد سلمان و نصرا... منشی، اشاره می‌شود.

امکان موقعیت‌یابی گل سوسن براساس اشعار سبک خراسانی و حد واسط

واقع‌گرایی در شیوه خراسانی و توجه به حقایق بیرونی این امکان را فراهم می‌آورد تا براساس اشعار این دوره به موقعیت‌سنجی گل سوسن از طریق این متون دست یافت. به طور مثال در داستان ویس و رامین از سوسن یاد شده است. براساس ویژگی‌های واقع‌بینانه در دیدگاه شاعر می‌توان به تشریح وقایع داستان و

غزنین

اشعار «فرخی سیستانی» با توصیفات دقیق منبعث از محیط بیرون و محسوس مکان دیگری از جایگاه سوسن را به تصویر کشیده و از شهر غزنین به عنوان یکی دیگر از رویشگاه‌های گل سوسن نام برده‌است. از آنجا که این اشعار در وصف سلطان محمود سروده شده می‌توان حدس زد در آن دوره این منطقه نیز رویشگاه گل سوسن بوده‌است.

• در حسب حال و رنجش خاطر سلطان و طلب عفو

خزان باغ‌ها داشتم پر از گل سرخ/ دشت‌ها پر شقایق نعمان

از چپ و راست سوسن و خیری/ وز پس و پیش نرگس و ریحان

از سر کوه بادی اندر جست/ گل من کرد زیر گل پنهان...

توران

از اشعار "اسدی توسی" برمی‌آید که به احتمال فراوان، توران روزگاری جایگاه گل سوسن بوده‌است. البته باید توجه داشت که واقعی بودن این مکان در حاله‌ای از ابهام است (مختاری، ۱۳۷۸: ۳۳-۳۴) اما در سبک شعری طبیعت‌گرا و واقع‌گرای این دوره احتمال می‌رود وصف‌های طبیعت و مکان‌ها چندان دور از واقعیت نباشد (همان: ۳۸-۳۸). بنابراین توران از دیگر مکان‌های تاریخی گل سوسن محسوب می‌شود که بخشی از آن در شعر زیر است:

• رفتن گرشاسب با نریمان به توران

چـواز رود بگذشت بـفکنـد رخت/ چـهان پر گل و سبزه دید و درخت

میان گل و سوسن و مرغزار/ روان چشمه اب بیش از هزار...

• رفتن مهرآب با گرشاسب...

ز هرچ اسپر غمست و گل گونه گون/ بر آن کوه بُد صد هزاران
فزون

ز شمشاد و از سوسن و یاسمن/ ز نسرين و از سنبل و نسترن...
(تصویر ۸ و ۹)

تطبیق رویدادهای آن با مختصات زمانی و مکانی پرداخت. "اسلامی ندوشن" در تحلیل داستان ویس و رامین آن را یک اثر ادبی رئالیست خوانده که تارو پود آن از طبیعت گرفته شده‌است. با استناد به ابیات مربوط به گل سوسن در این منظومه می‌توان به تحلیلی از مکان و زمان حضور این گل و تشخیص نوع آن گل دست یافت.

گوراب

مینورسکی^۲، اعتقاد دارد بر پایهٔ پاره‌ای از جزئیات، رویداد داستان ویس و رامین مربوط به دورهٔ اشکانیان (مهرداد دوم) است. از طرفی براساس متن اشعار، به نظر می‌رسد مکان این داستان منطقه‌ای به نام گوراب و اطراف غار دواشکفت (جنوب بین‌النهرین و جنوب همدان) که در زمان پارت‌ها گل‌های فراوان سوسن روئیده بوده‌است. با توجه به توصیفات دیگری که از سوسن در داستان ویس و رامین «فخرالدین اسعد گرگانی» آمده، به احتمال بسیار این گل از دستهٔ هیبریدهای شرقی و از گونه‌های سوسن سفید و یا عید پاک باشد. قابل ذکر است که موقعیت جغرافیایی مناطق ذکر شده با شرایط رویش این گل مطابقت دارد.

• عروسی رامین با گل

... گلبوی باشد دل گشایم/ زمین کشور بود گوراب جایم

مرا تا گل بود سوسن نبویم/ همین تا مه بود اختر نجویم

پس آنگه گل به خویشان کس فرستاد/ همه کس را ازین کار آگهی داد

• سپردن موبد ویس را به ذایبه و آمدن رامین در باغ

... رامین یک زمان نالید بر دل/ ز دیده سیل خون بارید بر گل

میان سوسن و شمشاد و نسرين/ ز ناگه بر ربودش خواب نوشین

• فخرالدین اسعد گرگانی، پاسخ نامه ویس از رامین

سر نامه به نام ویس بت روی/ مه سوسن بر و مهر سمن بوی

بت پیلستگین و ماه سیمین/ نگار قندهار و شمسه چین...



تصویر ۹. رویشگاه‌های امروزی سوسن. مأخذ: نگارندگان.



تصویر ۸. رویشگاه‌های باستانی سوسن بر اساس متون شعری. مأخذ: نگارندگان.

بیشتر در کاربردهای وصفی و تشبیهی به کار برده شده‌است اما با این حال گاهی معانی نمادین نیز به خود گرفته‌است.

نمایه‌های کلی ارائه‌شده از سوسن در این دوره

به‌طور کلی در تمامی ادوار شعری بسیاری از صفات، در بیانات شاعران مشترک است که در اینجا تنها به یکی از مراجع اشاره شده‌است. از سویی برخی صفات هم در قالب نماد، تشبیه و توصیف مشترکند و از بیان مکرر آن‌ها اجتناب شده‌است (جدول ۳).

تحلیل و سنتز اطلاعات کلی دریافتی از اشعار این دوران
ابوریحان بیرونی نیز در کتاب «صیدنه» به نقل از «ابوحنیفه دینوری»، «سوسن سپید» را خوش‌بوترین نوع سوسن می‌داند و می‌گوید که پارسیان سوسن سپید را سوسن آزاد نیز می‌گویند (بیرونی، ۱۳۸۷) اسناد شعری نیز نشان‌گر آن است که محبوب‌ترین و فراوان‌ترین نوع گل سوسن که در ایران در این دوره سوسن سفید است و با عموماً در اشعار همراه با مفاهیمی چون زیبایی، خوش‌بویی - معطر بودن - سپیدی و بلندی همراه است. سوسن در اشعار دوره خراسانی با توجه به رویکرد واقع‌گرایانه این دوره

جدول ۳. برخی از کاربردهای گل سوسن در دوره خراسانی و حد واسط. مأخذ: نگارنده

کاربردها	اشارات	مراجع شعری
صفات تشبیهی و نمادین	۱. وصف دشت ۲. وصف چینش گل‌ها ۳. وصف گلزار ۴. خوش‌بویی ۵. زیبایی ۶. خوشبویی معشوق ۷. پاک‌ی معشوق ۸. سپید بودن ۹. خلوص حقیقت ۱۰. انسان نیک ۱۱. آزادگی ۱۲. رازداری ۱۳. انسان تکامل یافته ۱۴. انسان‌های خوب ۱۵. سپیدی ۱۶. آزاد بودن	۱. اسدی گرگانی، گرشاسب نامه ۲. فرخ الدین اسعد گرگانی، ویس و رامین ۳. فرخی سیستانی، قصاید ۴. فخرالدین اسعد گرگانی، ویس و رامین ۵. انوری، دیوان اشعار ۶. فرخ الدین اسعد گرگانی، ویس و رامین ۷. منوچهری، قصاید ۸. سنایی، غزلیات ۹. سنایی، حدیقه الحقیقه و شریعة الطریقه ۱۰. ناصر خسرو، قصاید ۱۱. فرخی سیستانی، قصاید ۱۲. انوری، رباعیات ۱۳. ناصر خسرو، دیوان اشعار ۱۴. ناصر خسرو، دیوان اشعار ۱۵. فردوسی، شاهنامه ۱۶. انوری، دیوان اشعار

• سبک عراقی (از قرن هفتم تا نهم)

اوج شکوه و نام‌آوری سوسن در اشعار این دوره و دوره قبل است که حضور فراوان سوسن حکایت از محبوبیت، شناخت و وفور این گل نزد ایرانیان به خصوص در دوره اول دارد. از جمله شاعرانی که به مراتب از این گل یاد کرده‌اند می‌توان به سعدی، دهلوی، جامی، عراقی، خواجه کرمانی، ساووجی، زاکانی، نیشابوری، اوحدی، جغتایی و به خصوص حافظ و مولوی، اشاره کرد. ادبیات دوران عراقی برخلاف سبک خراسانی از رویکردی احساس‌گرایانه و غیررئالیستی برخوردار و بیش از آنکه به دنبال وصف حالت بیرونی باشد، به انتزاع و دنیای درون توجه دارد. از این رو نگرش به سوسن در اشعار این دوره متفاوت و توصیفات حالتی مجازی می‌یابد.

تحلیل و سنتز اطلاعات کلی دریافتی از اشعار این دوره

سوسن در این دوران معانی متعددی به خود گرفته که معلول ویژگی‌های ساختاری و شکل ظاهری گلبرگ‌ها و پرچم‌ها است. با استناد به اشعار، می‌توان دریافت که این گل نزد شاعران از صفات مثبت برخوردار و به مفاهیمی چون آزادگی، پاک‌ی، نیکی، زیبایی و به زبان‌آوری در عین خاموشی اشاره دارد. گل سوسن به جهت شباهت گلبرگ‌های دراز آن به زبان، در شعر فارسی به زبان‌آوری مشهور است. در عین حال در میان برخی دیگر از شاعران وجود زبان و خاموش ماندن در این گل، به رازداری نیز تعبیر شده‌است.

در تفسیر خاستگاه و مفهوم «سوسن ده زبان» و اغراق شاعران در تعداد گلبرگ‌هایش برخی معتقدند که این امر منتسب به مفهوم «شوش ده زبان» یا چند زبان است. چنانچه قبلاً هم اشاره شد شهر شوش نام خود را از گل سوسن یا شوشن یا شوشان گرفته است و چون شهر شوش در روزگاران کهن، چنانکه در لوح‌های سومری نیز اشاره شده - شهری چند زبانه و کانون زندگی مردمان گوناگون با ده‌ها زبان و گویش گوناگون بوده و این مفهوم در ادب فارسی به صورت سوسن زبان‌آور و صد زبان زنده مانده است.

• حافظ، غزل شماره ۱۶۰

هوای کوی تو از سر نمی‌رود آری / غریب را دل سرگشته با وطن باشد
به سان سوسن اگر ده زبان شود حافظ / چون غنچه پیش تو اش مهر برده‌ن
برخی بر این باورند که علت اغراق شاعرانه در تعداد گلبرگ‌های سوسن مثل سوسن ده زبان و صد زبان در راستای تأکید بر همان کثرت و سرانجام، نیل به وحدتی است که در نتیجه افزایش تعداد گلبرگ‌ها، دایره‌ای تمام می‌سازد (هاتف، ۱۳۹۰). علاوه بر آن معانی دیگری که خصوصاً در این دوره نمود بیشتری می‌یابد، اشاره به ویژگی‌های زنانه (مثل چین و شکن موی بلند، قد بلندی، سپیدی، زیبایی و دوشیزگی) دارد که بیانگر ارتباط معنادار این مفهوم با ایزدبانو آن‌اهیتا در فرهنگ پارسی است.

• سلمان ساوجی، در مدح سلطان اویس

وصف لطف در چمن می‌کرد ابر نوبهار / سوسن و گل را عرق بر چهره افتاد از حیا

در افق مهر از نهیبت روی تابد، و بر به کین/ بازگردانی افق را نیز ننماید قفا
(جدول ۴)

کرد. در اشعار این دوران تقریباً همان معانی، توصیفات و تشبیهات
قبلی ادامه پیدا کرده است.

• سبک حدواسط (یا مکتب وقوع) و هندی (از قرن دهم تا نیمه
اول دوازده)

این اشعار از نوعی جهان بینی شیعی برخوردارند که از مهم ترین
عوامل تغییر سبک این دوره به شمار می آید (شمیسا، ۱۳۷۴:
۲۸۴). توجه شاعران در این دوره به امور جزئی، پند و اندرز و
توصیف و بیان امور طبیعی و تبدیل موضوعات کهن به مضامین
تازه و در حقیقت بازسازی اندرزها و تمثیل های کهن در زبانی
جدید است (همان: ۲۸۴-۲۸۵). با این تفاسیر گل سوسن در
معنا چندان تفاوتی با دوره های قبل نداشته و تقریباً همان معانی
بازسازی و بیان شده اند. شاعران مکتب وقوع (قرن دهم) که از
گل سوسن و مضامین و معانی آن در اشعارشان بهره بردند شامل:
محتشم کاشانی، وحشی بافقی و عرفی، هستند و در سبک هندی
نیز باید به دو شاعر بزرگ یعنی بیدل دهلوی و صائب تبریزی اشاره

کاهش توجه به گل سوسن

همانطور که از اشعار برمی آید، توجه به گل سوسن در این دوران
به خصوص در سبک حدواسط به طور محسوسی کاهش می یابد.
دو علت می تواند در کاهش توجه به گل سوسن در این دوران
دخیل باشد:

علت ذهنی: تغییر جهان بینی و فاصله گرفتن از مفاهیم باستانی
ایرانی چون آناهیتا و امشاسپندان و حذف شدن تعبیراتی چون
پاکی، قداست، دوشیزگی، خوبی، انسان تکامل یافته و... از طرفی
حتی در غزلیات بیدل دهلوی شاعر به گل لاله نسبت به سوسن
مقام بالاتری داده که نشان تنزل مقام این گل است؛ به گونه ای که
داغ عشق سوسن را کمتر از لاله می داند.

علت عینی: کاهش و یا انقراض برخی رویشگاه های گل سوسن در
محیط پیرامون شاعران (جدول ۵).

جدول ۴. برخی از کاربردهای اصلی گل سوسن در دوره عراقی، مأخذ: نگارندگان.

کاربرد	اشارات	مراجع شعری
صفات تشبیهی و نمادین	۱. آزادگی، ۲. خوبی، ۳. پاکی و خلوص، ۴. قداست، ۵. پاکی و دوشیزگی، ۶. پاکی و باحیایی ۷. پختگی ۸. عاشقی ۹. مرشد و راهنما ۱۰. خوش خویی و دوست داشتنی ۱۱. زبان آوری ۱۲. خاموشی در عین زبان آوری ۱۳. رازداری و خاموشی ۱۴. بی محابا سخن گفتن ۱۵. خوش صحبتی و زبان شیرین ۱۶. سپیدی و خوش اقبالی ۱۷. زیبایی ۱۸. قد بلندی ۱۹. زلف معشوق ۲۰. سفید بودن ۲۱. خوش بویی ۲۲. تیغ، خنجر و شمشیر ۲۳. آیه خدا / (مواردی که کمتر از آن یاد شده): ۲۴. انسان دست به کمر زده ۲۵. زبان بی اعتبار ۲۶. علم ۲۷. آشوب و فتنه گری و...	۱. سنایی، دیوان اشعار، ۲. اوحدی، دیوان اشعار ۳. سنایی، دیوان اشعار ۴. مولوی، دیوان شمس ۵. سلمان ساووجی، دیوان اشعار ۶. نظامی، خمسه، مخزن الاسرار ۷ و ۸. مولوی، دیوان شمس ۹. حافظ، دیوان اشعار ۱۰. سنایی، دیوان اشعار ۱۱. عطار، خسرونامه ۱۲. مولوی، دیوان شمس ۱۳. هلالی جغتایی، شاه و درویش ۱۴. خواجوی کرمانی، غزلیات ۱۵. سعدسلیمان، گزیده اشعار، قصاید ۱۶ و ۱۷. سنایی، دیوان اشعار ۱۸. سعدی، دیوان اشعار ۱۹. اوحدی، دیوان اشعار ۲۰ و ۲۱. سنایی، دیوان اشعار ۲۲. دهلوی، گزیده اشعار، مثنویات ۲۳. حافظ، دیوان اشعار / (مواردی که کمتر از آن یاد شده): ۲۴. نظامی، خمسه، هفت پیکر، ۲۵. حافظ، دیوان اشعار، ۲۶. اوحدی، دیوان اشعار، ۲۷. اوحدی، دیوان اشعار

نمایه های کلی ارائه شده از سوسن در این دوره

جدول ۵. برخی از کاربردهای گل سوسن در دوره حد واسط و هندی، مأخذ: نگارندگان.

کاربرد	اشارات	مراجع شعری
صفات تشبیهی و نمادین	۱. زبان آوری ۲. خاموشی زبان ۳. رازداری ۴. زبان تیز و برنده ۵. طراوت و شادابی ۶. آزادی ۷. اسیر بودن در عین آزادگی ۸. تیغ ۹. بالاتر بودن داغ عشق لاله از سوسن	۱. محتشم کاشانی، دیوان اشعار ۲. صائب تبریزی، دیوان اشعار ۳. وحشی، فرهاد و شیرین ۴. صائب تبریزی، دیوان اشعار ۵. وحشی، ناظر و منظور ۶. صائب تبریزی، دیوان اشعار ۷. عرفی شیرازی، غزله ۸. بیدل دهلوی، غزلیات ۹. بیدل دهلوی، غزلیات

• دوره بازگشت (اواسط قرن دوازده تا پایان قرن سیزده)

در این دوره همان‌گونه که از نامش پیداست شاعران به سبک دوره خراسانی بازگشت می‌کنند (شمیسا، ۱۳۷۴: ۳۱۶)؛ اما علی‌رغم انتظار از گل سوسن بسیار کمتر از دوران قبل (به خصوص نسبت به دوره خراسانی) در اشعار استفاده شده‌است. در این دوره در متون شاعران چندان از مسائل اجتماعی سخنی نیست و بیشتر مضامین اشعار عاشقانه و عارفانه است (همان: ۳۱۷). شاعران این سبک که گل سوسن و معانی آن را در اشعارشان به کار گرفته‌اند عبارتند از: صبوچی، فروغ بسطامی، قآنی، هاتف اصفهانی که در میان آن‌ها قآنی بیش از دیگران از گل سوسن در اشعارش بهره برده‌است. در اشعار این دوره از ستایش سوسن سفید کاسته شده و به جای آن از سوسن‌های رنگی (به رنگ‌های زرد و کبود) سخن آمده‌است که به احتمال بسیار علت آن، کاسته‌شدن فراوانی این گونه و یا حتی انقراض آن در اکثر رویشگاه‌های مناطق مختلف ایران بوده‌است.

• سبک نو و یا معاصر (نیمه اول قرن چهاردهم به بعد تا نیمه دوم قرن چهاردهم به بعد)

در دوره معاصر توجه به گل سوسن در متون شعری به حداقل می‌رسد. با این حال همچنان می‌توان رد پای آن را در ابیات شاعرانی چون اعتصامی، شهریار، ملک‌الشعرا بهار و سپهری پی‌گرفت که در میان آنها ملک‌الشعرا بهار بیشترین توجه را به این گل مبذول داشته‌است. مهم‌ترین اتفاق در این دوره به لحاظ فکری، سخن گفتن از موضوعات تازه و مطرح شدن نگاه‌های نوین است (همان: ۳۴۴). اشعار این دوره رمانتیک است و شاعران با واژه حرف نمی‌زنند بلکه در کلام نمایش می‌دهند و نقاشی می‌کنند (همان: ۳۴۴ و ۳۴۵). از مشخصه‌های مهم دیگر، خاصیت حقیقت‌نمایی آنست؛ زیرا که شعر منبعث از محیط امروزی است و در اینجا هم به درون و هم بیرون توجه می‌شود (همان: ۳۴۸). این نوع نگرش حالت نظاره‌ای، کل‌نگر و همه‌جانبه دارد. این نوع نگاه جدید، در باب خطاب به گل سوسن هم مطرح شده که سپهری، گل سوسن را «شما» خطاب می‌کند. یعنی هم ظاهر و باطن گل را نگریسته و برای آن هویت، شخصیت و فهم قائل شده‌است. در قالب معنا، همانطور که پیش‌تر آورده شد، در گذشته این گل نشانه بزرگان، قديسان، انسان‌های تکامل‌یافته و نمادی از آناییتا بوده‌است. این نوع خطابه و احترام شاعر به گل سوسن، می‌تواند در امتداد همان ارزش‌گذاری و معنابخشی به این گل نزد ایرانیان باشد.

• سهراب سپهری، صدای پای آب

...من الاغی دیدم، ینجه را می فهمید

در چراگاه نصیحت گاوی دیدم سیر

شاعری دیدم هنگام خطاب به گل سوسن می‌گفت: شما...

تحلیل‌ها و نمایه‌های کلی برآمده از متون شعری

آنطور که از متون ادبی و اشعار فارسی بر می‌آید، آشناترین گونه سوسن در میان ایرانیان، سوسن سفید (*Lilium candidum*) است که با نام‌های سوسن آزاد، ده‌زبان و گل‌دراز نیز شناخته می‌شود. به غیر از مورفولوژی، بو و مشخصات رویش گیاه، رنگ سوسن بارزترین شاخصه تمایز این گونه از دیگر گونه‌های این گیاه است که می‌توان براساس آن، در متون ادبی آن را شناسایی کرد. با این وجود، از گونه‌های دیگر این گل نیز در ابیات شعری سخن آورده شده‌است که می‌توان از طریق وصف‌هایی که با رنگ همراه است به تمایز آن پی برد. در این موارد گل سوسن به رنگ لب انسان، شرابی، کبود و... در اشعار اسدی توسی، خاقانی، بشار مرغزی، حافظ و... آورده‌است. علاوه بر آن گونه دیگری از سوسن که با رنگ زرد شناخته می‌شود نیز در متون ادبی آورده شده‌است که گاه با گل زنبق زرد اشتباه گرفته شده‌است. شاید بتوان دلایل اصلی این اشتباه را وجود تشابه در ویژگی‌های شکلی و خصوصیات معنایی آن‌ها در ذهن شاعران دانست.

قابل توجه است که گل زنبق نیز میان ایرانیان باستان پیشینه‌ای مذهبی داشته‌است و برای نمونه در بندهش، آنجا که «در باره چگونگی گیاهان» سخن به میان می‌آید، از میان گل‌ها، «چمبگ / زنبق / زنبق» گل ویژه امرداد معرفی شده و آمده‌است: «... این را نیز گوید که هر گلی از آن امشاسپندی است؛ و باشد که گوید: ... چمبک، امرداد را ... خویش است...» که بر این اساس از میان گل‌ها، زنبق نمادی زیبا برای امردادماه و جشن امردادگان شمرده می‌شد. علاوه بر آن ویژگی‌های شکلی آن به نحوی است که بسیار با ریخت گل سوسن مشابهت می‌کند. به طور مثال سلمان ساوجی، زنبق را گلی سفید چون پنجه سیمین با پرچم‌هایی که بساک زرد رنگی همچون خرده‌های زر در میانش است، تصویر کرده که این توصیف بسیار با خصوصیات سوسن سفید مطابقت می‌کند.

خوش آیدم گل زنبق که پنجه سیمین / پر از قراضه زر عیار بگشاید

گل سوسن در شعر فارسی تداعی‌کننده مفاهیم گوناگونی در ذهن مخاطب خود بوده‌است. این گل گاهی برای بیان مفاهیم ضمنی و نمادینی چون پاکی و آزادگی به کار رفته‌است و گاهی در کاربردی تشبیهی برای وصف بهتر موضوعی به کار گرفته‌است که نمونه‌های آن تشبیه به اشیائی چون تیغ و سوزن و تشبیه به اندام‌های انسانی چون زبان و صورت است. از کاربردهای طبی گل سوسن در اشعار و متون هم صحبت شده که در اینجا از آن بحث نشده‌است. در این بیان به طور کلی می‌توان اصلی‌ترین کاربردهای گل سوسن را به لحاظ کاربرد ادبی چنین دسته‌بندی کرد (جدول ۶).

جدول ۶. برخی از کاربرد های گل سوسن در ادوار شعری، مأخذ: نگارندگان.

کاربرد در اشعار	اشاره	مراجع شعری (برخی نمادها در اشعار شاعران مختلف به کرات از آن یاد شده اما در اینجا تنها به نام یکی از آنان اشاره شده است)
۱. نمادین	۱. پاکي ۲. آزادگي ۳. عشق ۴. دوشيزگي ۵. خاموشي و رازداري ۶. خلوص ۷. مرشد و راهنما ۸. زبان آوري ۹. خاموشي در عين زبان آوري ۱۰. انسان هاي خوب و تکامل يافته ۱۱. ارزشمندی ۱۲. طراوت و شادابي ۱۳. لطيفي ۱۴. خوش خويي و خوش زباني ۱۵. زيبايي و سپيدي ۱۶. دوشيزگي و باحيابي ۱۷. خوشبويي / (مواردی که کمتر از آن یاد شده): ۱۸. آیهی خدا و یادآور خدا ۱۹. روزی دهنده (به زنبور عسل) ۲۰. سربلندی و شکوه ۲۱. رنگینی ۲۲. خوش اقبالی ۲۳. دوستی و محبت ۲۴. منطقی بودن / (نمونه‌های نادر که در قالب معانی‌ای با بار منفی‌اند): ۲۵. زبان درازی و زبان تیز و برنده ۲۶. زبان بی‌اعتبار ۲۷. آشوب و فتنه‌گری ۲۸. سرکش بودن ۲۹. ریا ۳۰. عشوه‌گری ۳۱. دل‌غم‌دار	۱. دیوان شمس مولوی ۲. عشاق‌نامه عبید زاکانی ۳. دیوان شمس مولوی ۴. دیوان سلمان ساووجی ۵. گزیده اشعار سیف فرغانی ۶. حدیقه الحقیقه و شریعه الطریقه سنایی ۷. دیوان شمس مولوی ۸. هفت اورنگ، تحفه‌الاحرار، جامی ۹. دیوان اشعار انوری ۱۰. دیوان اشعار ناصر خسرو ۱۱. دیوان اشعار ناصر خسرو ۱۲. ناظر و منظور، وحشی بافقی ۱۳. خمسه، لیلی و مجنون، نظامی کنجوی ۱۴. دیوان اشعار سنایی ۱۵. قصاید و قطعات، رودکی ۱۶. دیوان اشعار سلمان ساووجی / (مواردی که کمتر از آن یاد شده): ۱۷. دیوان اشعار، هاتف اصفهانی ۱۸. حافظ، دیوان اشعار ۱۹. خاقانی، دیوان اشعار ۲۰. مولوی، دیوان شمس ۲۱. اوحدی، دیوان اشعار ۲۲. سنایی، دیوان اشعار ۲۳. نظامی، خمسه، خسرو و شیرین ۲۴. قانی، قصاید، و له فی المدیحه / (نمونه‌های نادر که در قالب معانی‌ای با بار منفی‌اند): ۲۵. نظامی، خمسه، شرف‌نامه ۲۶. حافظ، دیوان اشعار ۲۷. اوحدی، دیوان اشعار ۲۸. ملک‌الشعراى بهار، قصاید ۲۹. حافظ، دیوان اشعار ۳۰. شهریار، غزلیات ۳۱. اسدی توسی، گرشاسب‌نامه
۲. تشبیهی	تشبیه به اشیاء: ۱. سوزن ۲. تیغ ۳. خنجر و شمشیر / (مواردی که کمتر از آن یاد شده): ۴. قلم شاعر ۵. تاج ۶. علم	۱. خاقانی، دیوان اشعار ۲. مهستی گنجوی، رباعیات ۳. دهلوی، مطلع‌الانوار، گزیده اشعار / (مواردی که کمتر از آن یاد شده): ۴. ملک‌الشعراى بهار، گزیده اشعار ۵. رهی معیری، چند تغزل ۶. اوحدی، دیوان اشعار
	تشبیه به اندام های انسانی: ۱. دست و پا انگشت ۲. زبان ۳. لب ۴. موی بلند یا حالت چین و شکم مو ۵. بلندای قامت ۶. پوست سفید ۷. صورت زیبا / (مواردی که کمتر از آن یاد شده): ۸. انسان دست به کمر زده	۱. مولوی، مثنوی معنوی ۲. حافظ، دیوان اشعار ۳. خاقانی، دیوان اشعار ۴. رهی معیری، چند تغزل ۵. سعدی، دیوان اشعار ۶. رودکی، قصاید و قطعات ۷. پروین اعتصامی، دیوان اشعار / (مواردی که کمتر از آن یاد شده): ۸. نظامی، خمسه، هفت پیکر



تصویر ۱۱. نماد سوسن یا زنبق بر نشان‌های حکومتی و خانوادگی در کشورهای اروپایی. مأخذ: www.forum.iranvij.ir



تصویر ۱۰. زنبق رشتی یا زنبق زرد یا Hemerocallis lilio که مشابهت زیادی با سوسن دارد. مأخذ: www.irannameh.ir



تصویر ۱۳. این نقش‌مایه برگرفته از گل سوسن یا زنبق است، که در فرانسه به نام زنبق مشهور است. ریشه این نقش‌مایه، ایرانی و از هنر ساسانی به امپراطوری روم رفته است. (جوادی، آورزمانی) عکس: آرشیو عکس پژوهشکده نظر



تصویر ۱۲. گل سوسن چلچراغ ایرانی با تنوع رنگی، این گونه در مناطق مرطوب و معتدل می‌روید. مأخذ: آرشیو پژوهشکده نظر

نتیجه‌گیری

موجب شده تا بعضی از شاعران به آن خصوصیات زنانه نسبت دهند که متأسی از همان باورهای کهن و ارتباط معنادار گل با آن‌هاست. این باور و ذهنیت ایرانیان به مرور، به فرهنگ ملل دیگر مثل مسیحیت انتقال یافته تا جایی که آثار این انتقال فرهنگی، در نگاره‌های مربوط به حضرت مریم و قدیسان نظاره می‌شود. بررسی ادوار شعر فارسی حضور نمادین این گل را از دیرباز در باورهای ایرانیان نشان می‌دهد. این نماد فرهنگی، بخشی از هویت ما را به خود گره زده و لازمست در حفظ آن، به خصوص در محدوده‌های رویشی آن در ادوار مختلف، اهتمام ورزیده شود.

سابقه گل سوسن در ایران به زمان‌های بسیار دور یعنی سومریان باز می‌گردد که در ادوار مختلف، گونه‌هایی از آن، در مناطق گوناگونی چون بین‌النهرین، گوراب و غزنین که امروز اثری از آن‌ها برجای نمانده وجود داشته‌است. نمادها و معانی استنتاج شده از اشعار، نمایانگر جایگاه والای آن بین ایرانیان است. به خصوص سوسن سپید یا آزاد، نزد مردم ایران از محبوبیت بسیاری برخوردار بوده و در شعر فارسی نیز اغلب از آن به عنوان پدیده‌ای نیک یاد شده‌است. خصوصیات عینی و کالبدی سوسن، به تدریج آن را به نمادی از الهه‌گان، برگزیدگان و انسان‌های پاک مبدل ساخته، تا جایی که آن را به آن‌ها الهه آب‌ها نسبت داده‌اند. همین موضوع

پی‌نوشت

۱. در این پژوهش ابیات شاعرانی که از گل سوسن در ادوار مختلف شعری یاد کرده بودند، بررسی و تحلیل شد که تعداد آن‌ها جمعاً به ۵۵ نفر می‌رسد.
۲. خاورشناس و ایران‌شناس روسی و استاد دانشگاه لندن
۳. در تعبیر خواب سون هم به چنین مضامین و مفاهیمی در باب گل سوسن اشاره شده‌است. چنانچه ابراهیم کرمانی گوید: اگر ببیند که کسی دسته سوسن بدو داد، دلیل که در میان ایشان گفتگو افتد. این معنا در بردارنده همان معنای فتنه‌گری و مفاهیم زبان‌درازی و بدزبانی است که در شعر وجود دارد.
۴. در گیاه‌شناسی هر پرچم دارای یک میله است که در انتهای آزاد آن بساک قرار دارد.

فهرست منابع

- لبو، پروند. رونه‌مارک، هانس. (۱۳۵۵)، *لاله‌ها و زنبق‌های ایران و گونه‌های مجاور*. تهران: موسسه گیاه‌شناسی ایران.
- نادری، روح‌انگیز. (۱۳۹۲). ارزیابی جمعیت‌های مختلف گیاه سوسن چلچراغ با استفاده از ویژگی‌های مرفولوژیکی و روش‌های آماری چند متغیره، *علوم باغبانی ایران*، ۴۴: ۳۷۹-۳۸۷.
- هاتف، حامد. (۱۳۹۰). رمز گل در ادبیات فارسی، کتاب ماه ادبیات. ۴۸: ۱۲-۴.
- Crockett, J. (1971). *Bulbs*. Time life books: New York.
- Dole, M. & Wilkins, H. F. (1999). *Floriculture: Principles and Species*. New Jersey: Prentice Hall.
- Jalii, A. & Jamzad, Z. (1999). *Red Data Book of Iran*. Tehran: Research Institute of Forest and Rangelands.
- Padasht dahkaii, M. N, Khalighi, A, Naderi, R. & Mousavi, A. (2009). Effect of Different Concentrations of Benzyladenine (BA) and Naphthalene Acetic Acid (NAA) in Regeneration of *Lilium ledebourii* (Chelcheragh Lily) with Use of Bulblets Microscales. *Seedling and Seed*, 24: 321-332.
- Robinson, K. & Firoozababy, E. (1993). Transformation of floriculture crops. *Scientia Horticulturae*, 55: 83-99.
- بهزادی، رقیه. (۱۳۶۸). ترجمه بندهش هندی: متنی به زبان پارسی میانه، تهران: موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- بیرونی، ابوریحان. (۱۳۸۷). صیدنه. ترجمه: ابوبکر بن علی بن عثمان کاسانی، ستوده، منوچهر و افشار، ایرج. انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، تهران.
- جاماسب، جی. (۱۳۷۱). *کهن‌نامه‌های زبان‌شناسی*، عریان، سعید. تهران: کتابخانه ملی ایران.
- دادگی، فرنیغ. (۱۳۸۵). بندهش. ترجمه: بهار، مهرداد. تهران: انتشارات توس.
- دوستخواه، جلیل. (۱۳۷۵)، *اوستا: کهن‌ترین سرودهای ایرانیان*. تهران: نشر مروارید.
- رضی، هاشم. (۱۳۸۰). *گاهشماری و جشن‌های ایران باستان*، تهران: انتشارات بهجت.
- زمردی، حمیرا. (۱۳۸۷). *نمادها و رموز گیاهی در شعر فارسی*. تهران: نشر زوار.
- شمیسا، سروش. (۱۳۷۴). *سبک‌شناسی شعر*. تهران: انتشارات فردوس.
- طهوری، نیر. (۱۳۹۱). سوسن سفید؛ بشارت تولد بهشتی. نشست‌های تخصصی همایش ملی هنر و تمدن شیعی، بازیابی شده از سایت www.honarnews.com در تاریخ ۱۳۹۲.
- کافی، محسن. قاسمی قهساره، مسعود. (۱۳۹۳)، *گلکاری علمی و عملی*، تهران: مرکز نشر سپهر.
- گرامی، بهرام. (۱۳۸۸). *گل و گیاه در هزار سال شعر فارسی*، تهران: انتشارات سخن.